

قطعه نامه گردهمایی ۸ دسامبر ۲۰۰۱ در کلن آلمان

الف: از آنجائیکه رژیم جمهوری اسلامی ایران از ابتدای استقرار خود تا به امروز، حقوق بشر را بصورت همه گیر و همه جانبه ای زیر پا گذاشته است که مصادیق کلی آن عبارتند از:

- ۱- انکار حقوق انسانی زنان و اعمال آپارتاید و تبعیضات ظالمانه جنسی
- ۲- رواداشتن ستم و تبعیضات گوناگون و تحمیل محرومیت ها و محدودیت های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ملت های ساکن ایران، تبعیض و فشار بر اقلیت های مذهبی،
- ۳- محروم کردن کارگران و همه گروه های صنفی از حق تشکل مستقل،
- ۴- پایمال کردن حقوق شهروندی عمومی ایرانیان، از بین بردن آزادی های فردی و حقوق مدنی و لگدمال کردن اصول جامعه عرفی،
- ۵- سلب کامل امنیت فردی، روانی، خانوادگی و شغلی شهروندان،
- ۶- دشمنی با حق حاکمیت مردم بر کشور و بر سرنوشت خود،
- ۷- تحمیل یک ایدئولوژی حکومتی و قوانین و موازین شرعی با شیوه های فاشیستی بر همه عرصه های زندگی فردی و اجتماعی،
- ۸- به رسمیت نشناختن و عدم تحمل هیچ حدی از آزادی عقیده، بیان، انتقاد و مخالفت سیاسی یا عقیده تی حتی از درون حکومتیان، و مکافات مخالفان و منتقدین و دگراندیشان، با حبس و شکنجه و اعدام،
- ۹- مجازات ها و اعدام های بی محاکمه، محاکمات بر پایه اعتراف گیری های زیر شکنجه و پرونده های ساختگی، بدون حق وکیل مدافع و حضور هیئت منصفه،
- ۱۰- اعلام رسمی و علنی بی اعتقادی به موازین جهانی حقوق بشر،

ب: از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدنش و برپایه آدمکشی و سرکوب و دارودرفش استقرار و امکان دوام یافته است که نمونه هایی از آن عبارتند از:

- ۱- کشتارهای گسترده توده ای در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و ...،
- ۲- کشتار هزاران بازداشتی، بدون محاکمه در تابستان ۱۳۶۰،
- ۳- قتل عام چندین هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷،
- ۴- اجرای مجازات های وحشیانه سنگسار، قصاص و قطع عضو،
- ۵- اعدام سیستماتیک فعالان محافل بهائیت،
- ۶- به خاک و خون کشیدن و کشتار زحمتکشان و مردم محرومی که برای آب آشامیدنی، سرپناهی از حلبی و حصیر و ابتدائی ترین نیازهای یک موجود زنده در شهرهای متعدد دست به اعتراض و شورش برداشته اند،
- ۷- شبیخون بربرمنشانه به خوابگاه دانشجویی در تهران و تبریز

ج- از آنجا که تروریسم دولتی و تروریست پروری در سطح بین المللی، از ارکان اصلی رژیم جمهوری اسلامی است و بعنوان نمونه به موارد زیر میتوان اشاره کرد:

- ۱- ایجاد گروه های تروریست اسلامی با تعلیم، تجهیز تسلیحاتی، تدارکاتی و مالی آنها در عراق، لبنان، فلسطین، ترکیه، سودان، سوریه، الجزایر، عربستان سعودی، مصر، آسیای میانه و ...
- ۲- صدور فتوای قتل سلمان رشدی و تخصیص و افزایش مداوم جوایز کلان برای اجرا کنندگان حکم توسط نهادهای حکومتی رژیم اسلامی، ترور یا اقدام به ترور چند مترجم و ناشر کتاب سلمان رشدی در کشورهای خارجی،
- ۳- سازماندهی و اجرای ترور بیش از سیصدتن از رهبران و فعالان سیاسی اپوزیسیون در خارج از ایران از اولین ماه های استقرار حکومت اسلامی تاکنون، از جمله: شهریار شفیق، ارتشبد اویسی، دکتر شاهپور بختیار، سروش کتیبه، دکتر برومند، فریدون فرخ زاد، غلام کشاورز، دکتر کاظم رجوی، دکتر عبدالرحمن قاسملو، دکتر صادق شرفکندی (دبیران کل حزب دمکرات کردستان ایران) و ترور صدها تن

از پناهندگان سیاسی و فعالان مخالف رژیم در خاک عراق ، پاکستان و ترکیه.

۴- ترور تعداد بیشماری از مخالفان ، منتقدین و دگراندیشان ، هترمندان ، نویسندگان و روشنفکران مترقی در تمام طول بیست و سه سال حکومت اسلامی که از میان این انبوه معلوم و نامعلوم قربانیان ترور دولتی میتوان به عنوان نمونه به افراد زیر اشاره کرد: دکتر سامی، زال زاده ، سعیدی سیرجانی و ... و بالاخره قربانیان ترورهای موسوم به "قتل های زنجیره ای" پائیز سال ۱۳۷۷ ، داریوش و پروانه فروهر ، محمد مختاری، مجید شریف ، پیروز دوانی و محمد جعفر پوینده ، و خلاصه نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران رژیمی است که بر پایه "حق کشی، آزادی کشی و آدم کشی بر پا شده و با تکیه بر زندان و شکنجه و اعدام و تروریسم دولتی به بقای خود ادامه می دهد ، ما شرکت کنندگان در تظاهرات هشتم دسامبر ۲۰۰۱ در شهر کلن آلمان ، که بمناسبت سالروز جهانی حقوق بشر و نیز سومین سالگرد "قتل های زنجیره ای" در اینجا گرد آمده ایم :

۱- خواهان لغو شکنجه و مجازات اعدام، آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیده تی، آزادی های سیاسی بی قید و شرط، برابری کامل حقوق زنان با مردان در همه عرصه ها و الغاء هرگونه تبعیض جنسی، رفع ستم ملی، برابری کامل حقوق ملل ، به رسمیت شناخته شدن حق ملت ها برای تعیین سرنوشت خود، برابری کامل همه شهروندان کشور صرف نظر از جنس، ملیت، نژاد، مذهب و عقیده و ...، حاکمیت اکثریت مردم و حق رای عمومی برای تعیین نظام سیاسی یا تغییر آن ، برقراری حقوق بشر در گسترده ترین مفهوم انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مخالف هر گونه حکومت ایدئولوژیک هستیم .
۲- ما اعلام می کنیم که جدائی دین از دولت - که یکی از اولیه ترین شروط اجتناب ناپذیر هرگونه تحولی در جهت دموکراسی و رعایت حقوق بشر است - نه تنها با فاشیسم مذهبی، بلکه با مردم سالاری دینی هم ذاتا در تضاد است .

۳- ما برآنیم که مردم ایران تنها به همت خود ، با مبارزات خود و در سایه استقلال کامل از جناح های حکومتی و نیز تشکل و هم بستگی میان صفوف خود قادر خواهند بود حقوق ضایع شده خود را باز یابند و بر سرنوشت خود حاکم شوند. حقوق بشر نیز در ایران بدست خود مردم میتواند کسب شود.

۴- ما اعلام می کنیم که رژیم جمهوری اسلامی ایران ، نه تنها یک رژیم حامی تروریست ها در خارج از ایران ، بلکه اساسا یک رژیم تروریسم دولتی است . پایان دادن به حیات این رژیم تروریست نیز باید نه با چشمداشت از دولت هائی که بخاطر منافع شان طالبان ها و بن لادن ها را می آورند و می برند، بلکه بدست خود مردم ایران انجام شود.

۵- تقلیل هزاران ترور سیاسی بیش از دو دهه به چهار نفر ، تنزل سلسله مراتب آمران و عاملان اصلی به چندمامور مجری قتل ها ، محاکمات قلبی متهمین واهی و بدون نام و نشان و مدفون کردن پرونده این قتل ها ، ثابت کرد که هرگونه امیدی به تحقیق واقعی و پیگیری درباره قتل های سیاسی از طریق دستگاه های حکومتی و با تکیه بر اصلاح طلبان حکومتی ، تنها اتلاف فرصتها و فرجه دادن به ماشین ترور رژیم اسلامی است . ما خواستار پی گیری و تحقیق مستقل برای روشن شدن تمامی حقایق مربوط به قتل های زنجیره ای پاییز ۱۳۷۷ و همه قتل های سیاسی تمام دوران حکومت اسلامی هستیم ، که تنها با تکیه بر یافشاری توده ای مردم ، عزم و فداکاری و هم بستگی خانواده های قربانیان ترورهای سیاسی امکان پذیر است
۶- ما خواهان برپائی یک دادگاه بین المللی، برای محاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران بخاطر ارتکاب جنایات فجیع علیه بشریت هستیم و در این زمینه فقط روی تلاش و همکاری نیروهای مترقی ایرانی و خارجی و از جمله آلمانی هائی که بر خلاف دولت خودشان حکم دادگاه میکونوس را فراموش نکرده اند حساب می کنیم !